

# خانواده‌ها نگران اند

## محرمانه نداریم



**گزارش میدانی شهرآرا از بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> و گفت و گو با همراهان بیمارانی که با سرم های صفافی مسموم شده اند**



ماجرای او اواسط خرداد برمی گردد؛ زمانی که سم آلومینیوم در بدن تعدادی از بیماران دیالیز صفافی به بدترین شکل ممکن خود را نشان داد و هر روز تعدادی از آن‌ها با علائم مختلف جسمی به پزشک مراجعه می کردند. سؤال مشترک همه این بیماران هم این بود که چرا با وجود تزریق سرم های صفافی به بدن، به جای آنکه حالشان بهتر شود، علائم دیگری مانند حالت تهوع شدید، بی خوابی، فراموشی، اختلالات روانی و تشنج های پیاپی به سراغشان آمده است؟ موضوع «آلایندگی سرم های صفافی به آلومینیوم»، از بهمن سال گذشته تا کنون تقریباً همه بیماران دیالیز صفافی را زمین گیر کرده است. تیم پزشکی و کادر درمان هم با بروز علائم مختلف در بیماران، هیچ گاه تصور نمی کردند که قرار است به جای آنکه با این روش دیالیز، سم از بدن بیماران خارج شود، سم بیشتری هم به بدنشان وارد شود. رفته رفته با افزایش آمار تشنج این بیماران و به کما رفتن تعدادی از آن‌ها، موضوع برای کادر پزشکی جدی شد تا آنجا که به گفته بیماران آلوده به سم تا هفته قبل، مقابل در بخش ورودی بیماری های کلیه بیمارستان امام رضا (ع) مشهد جای سوزن انداختن نبود. پس از انتشار نخستین گزارش ما با تیترا «حرف و حدیث های یک سرم پر حاشیه» در تاریخ ۱۱ تیرماه، تعدادی از خانواده های این نوع بیماران دیالیزی یا حتی خود بیماران که آلوده به سم بودند، در ارتباط با ما گفتند که حال روز بیماران دیالیزی صفافی در بیمارستان امام رضا (ع) خوب نیست. خیلی هایشان حدود یک ماه است که در بخش دیالیز صفافی یا آی سی یوی بیمارستان امام رضا (ع) مشهد بستری هستند. تعدادی نیز به کما رفته یا فوت کرده اند. همراهان این بیماران همچنین مدعی هستند که میزان آلودگی و وجود سم آلومینیوم در بدن بیماران به آن ها اطلاع رسانی نمی شود، جواب آزمایش ها محرمانه اعلام می شود، پزشک فلوشیپ سم شناسی، بیمارشان را معاینه نمی کند و از همه مهم تر مشخص نیست کادر پزشکی چه زمانی قرار است مراحل درمان و خروج سم از بدن بیماران را شروع کند. همه این موضوعات و ابهام ها، ما را بر آن داشت تا این بار در بازدید میدانی از نزدیک، پای درددل های این بیماران و همراهان آن ها بنشینیم.

## مادرم از دست رفت

برای تکمیل گزارش با شهروندی تماس می گیریم که مادرش با همین علائم مسمومیت به بیمارستان مراجعه، اما فوت کرده است. او می گوید: علت فوت مادرم راهنوز به ما اعلام نکرده اند. در پزشکی قانونی از جسد مادر، نمونه برداری کردند و گفتند نتیجه در پانزده روز آینده به دست ما می رسد. اما در پرونده چیزی که خود ما به آن باور داشتیم، فوت مادر با سم آلومینیوم به دلیل استفاده از محلول صفافی دیالیز در بدن بود. تازه الان متوجه شده اند که سم موجود در این محلول ها تنها آلومینیوم نیست و حداقل چند نمونه از فلزات دیگر مانند منیزیم، مس و... هم هست. کادر پزشکی حدود یک هفته است مطلع شده اند این فلزات هم در خون بیماران وجود دارد. وی درباره چگونگی مطلع شدن از میزان سم موجود در بدن مادرش بیان می کند: هر بار که از کادر درمان میزان دوز سم موجود در خون مادر را می پرسیدیم، عددی اعلام نمی کردند. به واسطه برخی ارتباطاتی که داشتیم، بالاخره توانستیم تا حدودی از میزان سم موجود در خون مادر آگاه شویم. از بیست بار آزمایشی که انجام دادند، تنها حدود پنج بار را به ما اطلاع دادند. در اولین آزمایشی که به ما اعلام کردند، میزان آلومینیوم موجود در بدن مادرم، بالای هزار بود. این شهروند با بیان اینکه این فاجعه در کل دنیا شاید برای اولین بار بوده که بروز می کرد و به همین دلیل هم کادر پزشکی شاید برای درمان سردرگم شده باشد، ادعا می کند: مدام به مادرم داروهای ضد تشنج تزریق می کردند، در حالی که عامل اصلی تشنج، سم رسوب شده آلومینیوم در مغز بود که پزشکان نمی دانستند این سم را چگونه از بدن خارج کنند. تنها راهی که به ذهنشان می رسید، دیالیزهای مداوم بود. به مادر من پنج دارو به صورت «های دوز» تزریق می کردند. به ما گفتند تشنج های مادر کنترل شده است اما من فکر می کنم دیگر مغز او از کار افتاده بوده که تشنج نمی کرد. مادر من شصت و شش ساله بود و از زمانی که مادر بستری شد، تا زمان فوتش کلا چهل روز بیشتر طول نکشید.

## جواب آزمایش، محرمانه است!

زمانی که با خانم «میم. ز.»، مادر یکی از جوانان مبتلا به سم آلومینیوم، قرار می گذارم تا با او به بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> برویم، در کمتر از سی دقیقه خود را به محل قرار می رساند. در ورودی بخش، تعداد زیادی از همراهان بیمارانی که برخی شان همودیالیزی می شوند، با چمدان های روی هم قرار گرفته روی چمن های فضای سبز، زیر انداز پهن کرده و خوابیده اند. آن طرف تر هم تعدادی آرام و قرار ندارند و روی زیر انداز خود دست به دعا شده اند. با این همراه بیمار، وارد بخش دیالیز صفافی می شوم. فرزندش روی تخت دیالیز دراز کشیده است و خوشن در حال تصفیه است. آن طرف تر هم یک خانم میان سال و یک پیرمرد روی تخت در حال همودیالیز هستند. فرد جوان در این باره بگزارشگر ما می گوید: فویبای خون داشتم. با مجوز پزشک قرار شد چند ماه دیالیز صفافی بنوشم تا بعد از این مدت، پیوند کلیه برام انجام شود. یک بار بیهوش شدم. طی یک عمل چند ساعته در شکم «کاتتر» (لوله بلند و نازک و انعطاف پذیری که کاربرد پزشکی دارد) کار گذاشتند. دو هفته نقاهت سخت داشتم تا بالاخره توانستم دیالیز صفافی را شروع کنم. بعد از مصرف محلول به جای آنکه حالم بهتر شود، بدتر شد. چند بار به پزشک مراجعه و اعلام کردم بی قرار هستم، بی خوابی شدید دارم، پادرد های شدید عصبی دارم. پزشک اعلام می کرد واکنش اولیه به محلول است. بعد از گذشت مدتی، از بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> با من تماس گرفتند و گفتند به بیمارستان مراجعه کنید. وقتی مراجعه کردم، گفتند سرم ها آلوده بوده است و باید دیالیز خونی بشوید. بار دیگر ۱۶ میلیون تومان هزینه کردم و کاتتر ویژه گرفتم و این بار در سینه ام جای گذاری کردند تا بتوانم دیالیز خونی شوم. الان شب ها تا صبح، دردهایی دارم که هر ثانیه آرزوی مرگ می کنم.

## یک ماه در کما

مطمئنم که محلول ها ایراد دارد. ضعف، کرختی بدن، لرز زیاد و عصبانیت های شدید علائم اولیه او بود. او بیان می کند: با بروز علائم، ما به پزشک مراجعه می کردیم اما پزشکان توصیه می کردند دوز محلول مصرفی را بیشتر کنیم. لرز و تیک های تشنجی پدر زیاد شد تا اینکه ۲۱ خرداد تشنجش آن قدر شدید شد که دیگر پدر را بیمارستان قائم بریدیم. آنجا بعد از کلی پیگیری، آزمایش خون گرفتند. آزمایش، عدد سطح آلومینیوم بدن پدرم را ۵۷۲ نشان می داد. وقتی درخواست کردیم درمان شروع شود، پزشکان گفتند باید سم به زیر ۲۰۰ برسد تا بتوانند درمان را شروع کنند. فعلاً همودیالیز روزانه انجام می شود. این شهروند ادامه می دهد: بعد از دو شب بستری در بیمارستان قائم، با رضایت خودمان پدر را به آی سی یوی بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> بردیم؛ زیرا شنیده بودیم در این بیمارستان قرار است یک بخش آی سی یو برای بیماران حاد صفافی راه اندازی شود. آنجا گفتند برای این بیماران یک تیم شامل پزشک بیهوشی، نفرولوژی، سم شناس و نورولوژی اعصاب تشکیل می شود. اما این تیم تشکیل نشد و پزشک سم شناس هم نبود و حالا متأسفانه پدر من در کماست.

## نبود کیت آزمایش

او را بستری کردیم و بعد از گذشت چند روز با افزایش تعداد بیماران متوجه شدیم همه آن علائم، نشانه وجود سم آلومینیوم در محلول های صفافی است. این همراه بیمار مدعی است در مرحله اول، کادر درمان بیمارستان برای گرفتن آزمایش تعیین میزان سم، اعلام کرده اند کیت مدنظر را ندارند. خودم تمام شهر را زیر پا گذاشتم تا توانستم یک آزمایشگاه پیدا کنم که میزان سم موجود در بدن همسرم را پالایش کند. با هزار التماس حاضر شدند آزمایش را بگیرند و جواب را به جای پانزده روز، دوازده به ما تحویل دهند. در آن آزمایش، میزان سم موجود در بدن همسرم حدود ۶۰۰ ثبت شده بود. او با بیان اینکه گفته می شود علاوه بر آلومینیوم، فلزات دیگری هم در این محلول ها وجود دارد، اضافه می کند: همسرم تنها ۵۶ سال دارد. پزشکان ادعا کردند تنها روش خروج سم از بدن بیماران آلوده، همودیالیز است اما برای اینکه همسرم تشنج نکند، او را به آی سی یو بردند. همسرم در کما نیست اما عدد هوشیاری اش را هم اعلام نمی کنند. وضعیت جسمی اش اصلاً خوب نیست.

## فعال درمانی جز دیالیز روزانه نداریم

بعد از شنیدن درددل های بیماران به سراغ یکی از پزشکان متخصص بخش دیالیز صفافی می روم و خود را همراه یکی از بیماران معرفی می کنم. از پزشک معالج درباره وضعیت یکی از این بیماران می پرسیم که می گوید: این افراد چندین بار نمونه گیری شده اند. هفته ای یک بار از آن ها نمونه می گیریم. باید جواب آزمایش هایی که در یک هفته اخیر انجام شده است، برسد تا ببینیم دیالیز چه تأثیری بر بیماران گذاشته است. وی ادامه می دهد: دستگاه آزمایش تا قبل از این در دانشکده بهداشت تعبیه شده بود که ما درخواست کردیم دستگاه را جمع کنند و به خود بیمارستان انتقال دهند و سه شنبه هفته قبل در بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> نصب شده است. فوق تخصص نفرولوژی کشورمان در پاسخ به این سؤال که چرا درمان این بیماران شروع نمی شود، می گوید: فعلاً درمانی جز دیالیز روزانه نداریم. میزان سم موجود در بدن بیمار باید به زیر ۲۰۰ برسد که بتوانیم درمان را آغاز کنیم. دارویی که قرار است به بدن بیمار وارد شود، سم را یک باره از داخل بافت ها می کشد و وارد خون می کند و یک باره سطح سم در خون بالا می رود و عواقب بدتری دارد؛ به همین دلیل باید سم موجود در بدن همه بیماران مبتلا، به زیر ۲۰۰ برسد تا بتوانیم آمپول درمانی را تزریق کنیم. وی در پاسخ به این سؤال که چرا بیمارستان به منظور حمایت از بیماران، موضوع راز شرکت داروسازی پیگیری نمی کند، می گوید: این موضوع به بیمارستان مرتبط نیست. خانواده ها باید خودشان پیگیری کنند. ما فرصت اینکه بخواهیم کاری غیر از درمان را پیگیری نکنیم، نداریم. کار شرکت را باید وزارت بهداشت و خانواده های بیماران پیگیری کنند.

## شهرآرا پیگیری می کند

اگرچه توزیع این سرم ها در شهر متوقف شده، آنچه مسلم است، مسموم شدن بیماران دیالیز صفافی به سم آلومینیوم است؛ سمی که باید راه حلی برای پیشگیری از رسوب کردنش در بدن این بیماران پیدا شود تا از عواقب جبران ناپذیر احتمالی جلوگیری شود. ما در ادامه پیگیری مشکلات این بیماران، منتظر پاسخ دستگاه های متولی و مسئول در وزارت بهداشت و درمان خواهیم ماند.



این شهروند ادامه می دهد: درخواست آزمایش خون دادم تا میزان سم موجود در بدنم کنترل شود. به کلینیک ویژه دور میدان بیمارستان امام رضا<sup>(ع)</sup> مراجعه کردم تا آزمایش سم در خون را انجام بدهم. کل شهر را زیر و رو کردم ولی هیچ آزمایشگاهی غیر از همین مکان، این آزمایش را انجام نمی داد. آزمایش را انجام دادم، چند روز بعد که مراجعه کردم تا جواب آزمایش را بگیرم، گفتند جواب آزمایش محرمانه است و به شما تحویل نمی دهیم! وی بیان می کند: بعد از کلی جدل، کاغذی دست نوشته با خودکار را به ما نشان دادند که عدد سم در بدنم را ۲۳۱ نشان می داد. با پیگیری های زیاد، یک محلول آلمانی به ما دادند تا استفاده کنیم. آن محلول هم بیست روز بیشتر تا تاریخ انقضایش، نمانده بود. حال سؤال من این است که اگر بیمارستان این سرم ها را داشته است، چرا به ما سرم دیگری می دادند؟ این شهروند اضافه می کند: خیلی از همین بیماران اکنون در آی سی یو هستند و مدام تشنج می کنند و کادر پزشکی نمی تواند کنترلشان کند. به من گفتند باید مدتی هر روز دیالیز شوم. شکم من را از یک طرف برای دیالیز صفافی، سوراخ و جراحی کردند و گفتند به سمت چپ نباید بخوابم. حالا سینه ام را از سمت دیگر سوراخ کرده و دستگاه گذاشته اند. به آن سمت هم نمی توانم بخوابم. چگونه می توانم زندگی کنم؟ همه جای بدنم شلینگ کنی شده است.

ضد نقیض ها درباره میزان سم این بیمار دیالیزی بیان می کند: حالا بعد این مدت، دوباره متوجه شده ام سم موجود در بدنم عدد ۷۰۰ است نه عدد ۲۳۱! به ما گفته اند باید سم موجود در بدنتان به زیر ۲۰۰ برسد تا بتوانیم آمپولی را تزریق کنیم که سم از بدنتان خارج شود. تا زمانی که این عدد به زیر ۲۰۰ برسد، مغز و کلیه و سیستم اعصاب ما آسیب می بیند. اینجا یک بیمار هست که ۲۳ روز است هر روز دیالیز می شود اما سم بدنش پایین نیامده است. او می گوید: با مطالعاتی که کرده ام، متوجه شدم میزان آلومینیوم در بدن انسان نرمال، باید عددی زیر ۱۰ باشد، بعد از آن بین عدد ۱۰ تا ۶۰ نشانه مسمومیت است، بین ۶۰ تا ۱۰۰ مسمومیت متوسط، بین ۱۰۰ تا ۲۰۰ مسمومیت شدید و از ۲۰۰ به بالا مسمومیت خطرناک. حال سؤال من این است که چرا پزشک سم شناس، آن هم در بیمارستانی که بیماران مسموم را بستری می کند، برای ویزیت ما مراجعه نمی کند؟